

دومین سلسله رویدادها و همایش‌های استانی تئاتر مردمی «بچه‌های مسجد» به منظور ایجاد زمینه رشد و اعتلای هنری گروه‌های نمایشی در مساجد و همچنین توسعه فراگیر فعالیت‌های تئاتر مردمی بچه‌های مسجد برگزار می‌شود. برنامه‌ریزی، حمایت و تشویق گروه‌هایرای اجرای نمایش‌های تولید شده در مساجد و همچنین جذب حداکثری مخاطبان مردمی در تمامی گروه‌های سنی از اهداف این رویداد نمایشی

فراخوان دومین رویداد‌های نمایشی «بچه‌های مسجد»

گفت‌وگو با علی تدین صدوقی، کارگردان «فقط یک دقیقه طول می‌کشه»

تئاتر همچون نفس برای جامعه است



به طور مختصر و مفید درباره نمایش فقط یک دقیقه طول می‌کشه... می‌توان گفت: در خصوص زن و شوهری است که برای رسیدن به ثروت، قدرت و تثبیت موقعیت خود علیه یکدیگر دسیسه‌چینی می‌کنند. ظرافت و زیرکی و درایت زنانه با درامی ترازیک در برابر قدرت، نیرنگ و جاذبه مردانه قرار گرفته و خودنمایی می‌کند. یعنی نبرد زن‌شویی بسترسان یک اتفاق بسیار مهم است که در فرآیندی از شوخی و بازی، یکی از این دو از میدان رقابت حذف شود و البته این بستر در کشور آمریکا و بر پایه نقد جامعه سرمایه داری دارد انجام می‌شود. شاید بخشی از موفقیت علی تدین صدوقی نیز در همین مسیر بازیمایی حقیقت ممکن تر شده باشد و بخشی دیگر به دیدگاه سمعی نویسنده برمی‌گردد که در مداری سیاست‌ورزانه به دنبال نقد این شرایط برآمده اما تدین صدوقی بنا بر تکنیک و شیوه نوین آن شرایط را در یک نمایش کاملا به روز کرده است. بنابراین پس از دیدن نمایش فقط یک دقیقه طول می‌کشه که ساعت ۱۸ و ۴۵ دقیقه در تالار قشقایی اجرا می‌شود، پای صحبت‌هایش نشستیم.

از متونی است که جاذبه محتوایی و ساختاری دارد.
چرا اقدام به تغییر متن کرده و چه تغییراتی در آن داده‌اید؟
بنده با مسعود سمعی بارها در خصوص متن به گفت‌وگو می‌پرداختیم. بنده سه پایان برای متن در نظر گرفتم و با هم بر روند فعلی آن توافق کردیم و با توجه به لایه‌های ذهنی و روان‌شناسانه کاراکترها که در سراسر



مکت+

تئاتر مثل زندگی جاری است

در شرایط فعلی قطع تئاتر یعنی قطع جریان اندیشه و تفکر در جامعه چرا که نیک می‌دانیم تئاتر آینه جامعه و زبان حال آن است پس باتوجه به این نکته مهم و اساسی اصولا قطع جریان تئاتر زیان و ضرری جبران‌ناپذیر را به جامعه وارد می‌کند. اما ممتنع‌بودن آن شاید بیشتر از حیث مالی است ما نیک می‌دانیم که تئاتری‌ها همواره با کمبودها ساخته و با خلایقیت‌های خاص خود تحت هر شرایطی چراغ تئاتر را روشن نگاه داشته‌اند. پس این مهم به مسئولیت دولتمردان بازمی‌گردد که توجه خاص و ویژه‌ای به تئاتر و اهالی آن داشته باشند؛ چرا که می‌توان گفت تئاتر به لحاظ زنده‌بودن و زندگی جاری در آن چون نفس برای جامعه است.

است. تمامی گروه‌های تئاتر مسجدی با ارائه معرفی‌نامه از سوی هیات امنای مسجد یا امام جماعت مساجد می‌توانند در این رویداد حضور داشته باشند. گروه‌های متقاضی حضور در رویداد باید علاوه بر ارائه معرفی‌نامه و پر کردن فرم مشخصات گروه، متن یا طرح نمایشی خود را برای حضور در رویداد به دبیرخانه مربوط در استان خود ارائه کنند. بر اساس فراخوان، مهلت ارائه معرفی‌نامه، فرم مشخصات گروه و

عنوان اثر، متن یا طرح نمایشی تا ۱۴ آذرماه است و متقاضیان باید با مراجعه به سایت artfest.ir نسبت به ثبت‌نام اقدام کنند.

اعلام گروه‌های برتر برای حضور در مرحله همایش استانی ۱۴ بهمن ماه، اعلام گروه‌های برتر استانی برای حضور در مرحله پایانی ۱۱ اسفند و اعلام نتایج داوری و معرفی گروه‌های برگزیده ۲۳ اسفند تعیین شده است.



تئاتر مردمی، رویداد فرهنگی استانی در مساجد

بر اثر جراحات شیمیایی ناشی از جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند.

چرا شیوه اجرایی شما چقدر برآمده از متن و چقدر شکل خلاقه دارد؟

نیمی از شیوه کارگردان برآمده از متن است و الباقی برآمده از کارگردانی و دراماتوزی است.

به جز بازیگر اصلی بقیه جوان و تازه کارند چرا به این ترکیب اعتماد کرده‌اید؟

من همیشه به این امر در تئاتر معتقد بوده و هستم که علاوه بر آموزش صحیح؛ نمایش عملی پویا، دراماتیک و علمی است و به صورت تجربه عملی در تمرین و صحنه شکل می‌گیرد و این عمل از بازیگران جوان، تئاتری‌هایی قابل اعتنا می‌سازد، بنابراین همواره سعی کرده‌ام بازیگران جوان و کم‌تجربه‌تر را پس از یک دوره آموزشی با کارگاه‌های خودم در کنار بازیگر حرفه‌ای قرار دهم. البته این خودریسک است که بدون آموزش‌های ویژه و تمرینات کافی احتمال شکست نیز در آن هست، به همین دلیل تمرین این نمایش دوسال به طول انجامید.

چرا در طراحی لباس به چه نکاتی توجه کرده‌اید که قابل‌باور باشد؟

طراحی لباس علاوه بر تحلیل شخصیت و کاراکتر به لحاظ ابعاد مختلف مرتبط به آن، با در نظرگرفتن مقطع تاریخی نمایش و مکان آن صورت پذیرفته است که همه اینها بر روی جنس، رنگ، طرح و... تاثیرگذار است.

چقدر در طراحی صحنه چیدمان به قاعده و به اندازه و چقدر بنابر سبک غیرواقع‌گرایانه زیادی به نظر می‌رسد؟

ابتدا توضیح این نکته ضروری به نظر می‌رسد که از دیدگاه من همواره مفهوم غیر واقع‌گرایانه در واقع‌گرایانه نهفته و با آن عجین است، مانند تخیل و رویا که واقعی نیست اما در کنه واقعیت وجودی به نام انسان ریشه دارد، پس همواره سعی کردم که این بازی ذهنی و خیالی را که شاید من ذهنی‌مان در طول زندگی برای ما ایجاد می‌کند را با استفاده از قابلیت‌های تئاتر روی صحنه بکشم و در گستره دید مخاطبان قرار دهم. لذا در طراحی صحنه که قطعا بی‌ارتباط به کاراکتر، میزانشن و حرکات و حس نیست نیز این تلفیق واقعیت و فراواقعیت در طراحی صحنه اتفاق می‌افتد، هرچند متأسفانه به دلیل مسائل مالی از بخشی از طراحی صحنه چشم‌پوشی کردم.

چرا نور، کارکردی در این مدار پر از تخیل و لحظه‌ها ندارد؟

بر اساس تجارب پیشین و ایضانوع نگاهم به انسان و این که تئاتر می‌باید چون زندگی روان و جاری باشد و باتوجه به سبک کار، بازی‌های نوری را به جز مواردی ضروری به لحاظ منطق دراماتیک لازم ندید و قطع‌نشدن حس و تمرکز تماشاگر برای من اولویت داشت.

موسیقی برای‌تان از چه سازوکاری بر خوردار بود؟

بله، حتی شهید سمعی در جریان تمرینات بودند و به خاطر حال نامساعدشان نمی‌توانستند سر تمرین‌ها حاضر شوند. ایشان سه ماه پس از شروع تمرین‌ها تحصیل کند تا این گونه جریان روان و روند درام روی صحنه آن طور که باید حفظ شود.

به نظر نمایش «فقط یک دقیقه طول می‌کشه» از کارهای قبلی‌تان یک سر و گردن بالاتر باشد. خودتان چه حس و حالی به این نمایش دارید؟

این امری مسلم است که انسان و به ویژه هنرمند اگر درجا بزند همان جا تمام شده است، شما کاملا درست می‌فرمایید. این نمایش به لحاظ کارگردانی و موسیقی همان کارکردی را برای شخصیت‌ها دارد که دراماتوزی و شیوه اجرایی کاملا با نمایش‌های پیشین متفاوت است و از حیث تکنیکی با کارهای پیشین بسیار تفاوت دارد و بالاتر ایستاده است.

رضایت مخاطبان از کار چقدر است؟

تا آنجا که بنده با مخاطبان از هر قشر به گفت‌وگو نشستم خدا را شکر از کار راضی بوده‌اند و برخی هم در تبول نظرات مثبتی را به اشتراک گذاشته‌اند.

سحر سحرسانی خیرنگار

سیدعلی تدین صدوقی را سال‌هاست در مقام منتقد تئاتر فعال می‌شناسیم که در مطبوعات مشغول به کار بوده است و البته در مقام نویسنده و کارگردان نیز فعالیت‌هایی را ارائه کرده و این روزها دارد نمایش «فقط یک دقیقه طول می‌کشه» به قلم زنده‌یاد مسعود سمعی را در تالار قشقایی اجرا می‌کند. نمایشی که در آن اسفر صابری، مروارید افسری، لادن بنگدار و علیرضا نادى بازی کرده‌اند. از دیگر عوامل این نمایش می‌توان به این‌ها‌ما اشاره کرد؛ مشاور هنری: علی اکبر طرخان دستیار کارگردان: مروارید افسری، گروه کارگردانی: مجتبی عراقی، هادی تدین، امیرحسین انگوئی و هستی باقری، مدیر صحنه: بهار حسینی، منشی صحنه: شیوا نوری، طراح لباس: مروارید افسری، طراحان صحنه: سیدعلی تدین صدوقی و مروارید افسری، طراح حرکات موزون: سیاوش شیرچی، طراح پوستر: امیر زند، مشاور رسانه‌ای و فضای مجازی: ندا االماسیان طهرانی و عکاس: میلاد میرزاعلی.

چرا ما شما را بیشتر در مقام منتقد فعال در حوزه تئاتر می‌شناسیم. فعالیت تئاتری به ویژه کارگردانی‌تان را از کی و کجا شروع کرده و تاکنون چه نمایش‌هایی را به صحنه آورده‌ای؟

با کارگردانی نمایش در دهه ۶۰ در رشت به طور حرفه‌ای شروع به کار کردم، به همین ترتیب نمایش: «این دنیای دیوانه دنیانه» را نوشته و کار کردم و نمایش‌های «خانه اجساره‌ای»، «غروب دهکده»، «مامور»، «روای نیمه‌شب تابستان» و نمایش «هرگلی یه بویی داره» به نویسندگی و کارگردانی خودم در سال ۷۷ در تئاتر شهر، «من هنوز اینجام کلاغای لعنتی» نویسنده و کارگردان و دراماتوزی سه‌کمدی از زانتر دیوبه کارگردانی دکتر ایرج زهری در تئاتر شهر، دراماتوزی نمایش شاخ نبات در تالار وحدت، نویسندگی و کارگردانی همه دختران امیرکبیر تالار حافظ و....

نمایشنامه‌هایی که از من به چاپ رسیده عبارتند از: معجزه‌ای برای حافظه تاریخ، من هنوز اینجام کلاغای لعنتی، همه دختران امیرکبیر، سهراب و رستم و شال گردن در چهار اپیزود و به همین ترتیب تعدادی نمایشنامه در دست چاپ است، نمایشنامه لیلی و مجنون، ندیدن....

چرا کدام‌یک از موارد محتوایی یا ساختاری متن مسعود سمعی، جاذبه‌ای برای کارگردن این نمایش شد؟

جامعه

تئاتر

THEATRE

یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱ ۶۳۵۴ شماره

درنگ

نقدی بر نمایش «فرزند یک خنیاگرم»

پیروز این میدان



رضا اشفته منتقد

به چه مقصد و منظوری برساند و دیگر برای‌مان نباید مهم باشد که اصل روایت چیست بلکه زاویه دید و برداشت و منظور نویسنده باید مهم باشد.

در نمایش «فرزند یک خنیاگرم» شکر خدا گودرزی بنابر آنچه در شاهنامه فردوسی خوانده یا دیگر منابع ادبی، بر آن است که روایت خود را از داستان رستم و شغاد بنویسد و اجرا کند. در این روایت زال بسیار بد دل است و حتی ساز دلارام مادر شغاد را شکسته که فرزندش متوجه خنیاگری مادرش نشود و میلی به موسیقی و آواز نایبد. این‌که شغاد و مادرش در شاهنامه باشند؛‌شکی در آن نیست اما این مواجهه متفاوت با این وضعیت و آدم‌ها، دقیقا همین برداشت و تخیل شکر خدا گودرزی است که یک روایت تازه‌تر را بر ما معلوم می‌سازد که به‌گونه‌ای بتواند تفاوت رستم و شغاد را نه‌تنها در مادرشان که مادر رستم رودابه از طبقه فرادست و دلارام مادر شغاد از طبقه فرودست است. بنابراین گودرزی به‌دنبال بیان تفاوت و فراتر از آن، به‌دنبال بیان تفاوتی مانند موسیقی است که هنوز هم در جامعه ایرانی با اختلاف‌نظرهایی متفاوت همراه می‌شود. این همان هدف و منظور نویسنده است که زمان را در می‌نورد و در بازگشت به گذشته به‌دنبال بیان یک اختلاف‌نظر اجتماعی است. ائتلافی که باید به‌گونه‌ای در جامعه تراز و حل و‌فصل شود. این همان فرهنگ و بینش گفت‌وگوست که در دنیای درام دارد بی‌جویی می‌شود.



در بقیه موارد نمایش فرزند یک خنیاگرم، اصل مطلب است اما باز هم بنابر تخیل نویسنده آورده می‌شود که رستم همچنان خوب است و حضور پررنگ و ذی نفوذی در کنار زال پدرش دارد و به‌درستی سوی کابل و برای بازخواست شغاد لشکرکشی می‌کند اما برادر کهنتر با زیرکی رستم را در جاه‌های حفر شده در شکارگاه به دام می‌اندازد و اسباب قتلش را موجب می‌شود و در ادامه خود نیز قربانی زور و تدبیر به‌موقع رستم شده و بیانگر این نکته که خودکرده را تدبیر چیست؟ شکر خدا گودرزی در زبان اجرا نیز به‌دنبال نوآوری برآمده و به‌دنبال شگردها و شیوه‌های ایرانی است که در یک بستر دراماتیک و اپیک آنچه باید را نمایان سازد. او به‌دنبال بیان کمینه‌گراست که از کمترین‌ها بیشترین فراوری تصویری و نمایشی را در صحنه نمایان سازد که ضمن شگفتی‌سازی بتواند اجرای بهتری را تدارک ببیند. این همان هدف والایی است که متن را در چارچوب غیرمنتظره‌ای قرار می‌دهد که مخاطب هم لذت بصری را با درک شهودی همراه گرداند و در نهایت عناصر و نشانگان ایرانی کلیت اجرایش را مستقل و فراتر از نظرگاه‌ها و نگره‌های غربی گرداند و این همان روال درستی است که در برزخ مدرن و فرامدرن تحمیلی می‌شود، پیامدرن ایرانی را در صحنه نمودار ساخت. به هر تقدیر می‌دانیم که هنر ناب در پس ذهن و در ناخودآگاه و بنابر باورها و تصاویر موجود در ناخودآگاه جمعی آفریده می‌شود و هر که در این منظر خود را نمایان سازد، هنری مستقل و دامنه‌دازتری را برای بروز در جامعه‌اش آشکار کرده است. این همان هدف والایی است که حتی تحریف را به امری مثبت و موثر تبدیل خواهد کرد و گودرزی پیروز این میدان است.

روی صحنه



درخشش رازانی

سینا رازانی گرچه هنوز در تلویزین و سینما آنچنان که باید به حق خود نرسیده اما سال‌هاست در تئاتر فعالیت می‌کند و در نقش‌های مختلف می‌درخشد. رازانی با آن لافری و نمک همیشگی و درک و دریافت درست کاراکترها، طوری روی صحنه ظاهر می‌شود که نمی‌توان او را از یاد برد.

این روزها علاوه بر این‌که این بازیگر را در نقش اسد...، «چیران» می‌بینید، می‌توانید برای تماشاای بیشتر هنر او ساعت ۱۹و۱۵ دقیقه سری به سالن۲ پردیس تئاتر شهرزاد بزنید و بازی‌اش را در نمایش «دوستان کمدی» همراه بازیگران دیگری چون سیما تیرانداز، معصومه رحمانی و بهنام تشکر ببینید.

رویداد

«دنیای خیال انگیز من» در جشنواره تئاتر ترکیه

نمایش «دنیای خیال انگیز من» به نویسندگی و کارگردانی بهناز مهدی خواه، از تولیدات مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در بیست و ششمین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان بورسای ترکیه به صحنه می‌رود. این نمایش سال

۱۳۹۹ در مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان روی صحنه رفت. داستان این نمایش به زندگی بازیگری اشاره دارد که به توصیف دنیایش می‌پردازد. او می‌گوید در پی رخ دادن اتفاقی در کودکی، دنیای سیاه و سفیدش، رنگارنگ مثل رنگین‌کمان شده است. در این نمایش، تماشاگران با بازیگر به دوره کودکی‌اش در یک روستا و دیدن و کشف زیبایی‌هایی که در طبیعت وجود دارد، می‌روند. بهناز مهدی خواه نویسندگی، بازیگری، طراحی و ساخت عروسک نمایش «دنیای خیال انگیز من» را نیز بر عهده دارد. همچنین از دیگر عوامل این نمایش می‌توان به آرش سلگی، آهنگساز، فرزاد سلیمانی و علیرضا حسینی؛ دستیاران کارگردان، آزاده فرهنگیان؛ شاعر، مریم غلامی و بهناز مهدی خواه؛ طراح صحنه و دکور اشاره کرد. نمایش دنیای خیال انگیز من پیشتر به عنوان نمایش برگزیده بخش خردسال مرکز ملی اسپتژ ایران معرفی شد.



اجرای «اهانت به تماشاگر» در مولوی

نمایش «اهانت به تماشاگر» بر اساس متنی از نویسنده برنده نوبل، پیتر هاندکه در تالار مولوی روی صحنه است. این نمایش با ترجمه علی‌اصغر حداد و کارگردانی و بازی نادر خوش‌بخت ساعت ۱۹و۲۰ دقیقه در سالن

اصلی تالار مولوی به صحنه می‌رود. گروه پرفورمنس آرت متشکل از فواد تباک دانیال میرزایی، متین شاخص، گلی رمضانی و سهراب جمالی هم خوش‌بخت را در این اجرا همراهی می‌کنند. در خلاصه داستان نمایش آمده است: روایت یک کارگردان و بازیگر تئاتر از زیستن روی صحنه و حضور در جهان تئاتر، خطاب به خودش و همه تماشاگرانی که قرار است تا یک ساعت دیگر وارد سالن شوند و نمایش او را به تماشا بنشینند. دیگر عوامل نمایش اهانت به تماشاگر عبارتند از مشاور کارگردان: مهرداد افشار، دستیار کارگردان و مدیر صحنه، ریحانه کریمی کروئوگرافیسیت: یاسمن میرزایی، آهنگساز: مرتضی بورعلی، گیتاریست: فرزام تباک مدیر تبلیغات و ویدئو آرت: مهرداد افشار، طراح صحنه: حسین صحرایی، طراح لباس: شروین وزگردی، دوخت لباس: زهرا بهرامی، طراح نور: نادر خوش‌بخت.

